



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



زندگانی تحلیلی بختتو ایان ما

انچه دواژد کانه
تکلیف استغراقه ایان اریب
نورینه و غمراسته ایان اریب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازده گانه (علیهم السلام) (امام محمد باقر علیه السلام)

نویسنده:

عادل ادیب

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه (علیهم السلام) (امام محمد باقر علیه السلام)
۶	مشخصات کتاب
۶	امام محمد باقر
۷	نظر امت نسبت به امام باقر
۸	امام نقطه‌گذاری را در حروف ابداع فرمود
۹	دشواری‌هایی که در راه برنامه‌ی امام روی داد
۱۱	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه (علیهم السلام) (امام محمد باقر علیه السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه : ادیب، عادل

عنوان قراردادی : الائمه الاثنا عشر (ع) در اسه تحلیله. فارسی

عنوان و نام پدید آور : زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه (ع) / تالیف عادل ادیب ؛ ترجمه اسدالله مبشری.

مشخصات نشر : تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : نه ، ۲۳۴ص.

شابک : ۱۸۰۰۰ریال (چاپ بیست و دوم) ؛ ۲۵۰۰۰ریال (چاپ بیست و سوم) ؛ ۳۶۰۰۰ریال (چاپ بیست و پنجم) ؛ ۲۶۰۰۰ریال

: ۷-۱۷۳-۴۷۶-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فایا (چاپ بیست و چهارم)

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : Adel Adib. The biography of our leaders ...

یادداشت : چاپ بیست و دوم: ۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ بیست و سوم : ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ بیست و چهارم.

یادداشت : چاپ بیست و پنجم: ۱۳۸۹.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : ائمه اثنا عشر

موضوع : امامت

شناسه افزوده : مبشری، اسدالله، ۱۲۸۸ - ۱۳۶۹، مترجم

شناسه افزوده : دفتر نشر فرهنگ اسلامی

رده بندی کنگره : BP۳۶/۵/الف۴الف۹۰۴۱ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۷۵۵۱۳

امام محمد باقر

امام محمد باقر (ع) تقریباً آغاز مرحله‌ی دوم از مراحل فعالیت پیشوایان را، بنابر تقسیمی که در بحث از مراحل فعالیت امامان کردیم و آن را ادامه دادیم، تشکیل می‌دهد. بالجمله اگر پیشوایان مرحله‌ی نخستین وظیفه‌ی نگاهداشت اسلام را از خطر صدمه‌ی انحراف، و مصونیت اسلام را به عنوان قانونگذار تحقق بخشیدند، کوششهای پیشوایان مرحله دوم با فعالیت امام باقر (ع) آغاز گردید و برتری فعالیت آن بزرگوار این بود که به توده‌ی شیعه شکلی تفصیلی و خاص داده و آن را به حرکت درآورد، البته در چهارچوب تفصیلی مختص به خود. این توده‌ی شیعی، به عنوان توده‌ی مؤمن و نگاهدارنده‌ی خط حقیقی اسلام شناخته می‌شد و به عبارت دیگر همه‌ی کوشش امام این بود که به شیعه شکلی مخصوص بدهد و خصوصیات آن را مشخص کند و آن گروه را به عنوان گروه مؤمن و حافظ خط حقیقی اسلام بشناساند. تفاوت میان این دو مرحله آن بود که پیشوایان مرحله‌ی نخستین معنای تشیع را در

نطاقی تنگ و مخصوص، آشکار کردند زیرا آنان به چاره‌گری هدف [صفحه ۱۷۰] مهم خود یعنی محافظت اسلام از صدمه‌ی انحراف توجه داشتند در حالی که پیشوایان مرحله‌ی دوم، به خصوص امام باقر (ع) فراز آمدند تا شیعه را به شکل حقیقی آن در آورند و در سطح عام، چهارچوبی تفصیلی و در برگیرنده به گروه شیعه بدهند و برنامه‌اش را تنظیم کنند. معنای این سخن آن نیست که پیشوایان مرحله‌ی نخستین برای ظاهر ساختن توده‌ی شیعه کاری نکردند، بلکه فعالیت آنان در این زمینه فعالیت ثانوی و ایجاد نظم مخصوص بود و این فعالیت در سطحی خاص توسط امام علی (ع) صورت گرفته بود و امثال سلمان پارسی و ابوذر غفاری و عمار بن یاسر و مالک اشتر و دیگران از شیعیان او بودند.

نظر امت نسبت به امام باقر

آمدن امام (ع) مقدمه‌ای بود برای اقدام به وظائف دگرگون‌سازی امت. زیرا امت، او را فردی منحصر از فرزندان کسانی می‌شناخت که جان خود را فدا کردند تا موج انحراف که نزدیک بود معالم اسلام را از میان ببرد متوقف گردد. پس، آنان از این روبربانی شدند تا مسلمانان بدانند که حکامی که به نام اسلام حکومت می‌کنند، از تطبیق اسلام با واقعیت آن به اندازه‌ای دورند که مفاهیم کتاب خدا و سنت رسول اکرم (ص) در یک طرف قرار دارد و آن حاکمان منحرف در طرف دیگر. وظیفه‌ی کشف سرپرست حاکمان و واقعیت منحرف آنان و نشان دادن دوری آنان از اسلام از وظایف پیشوایان مرحله‌ی نخستین بود و از خلال مساعی و فداکاری آنان، آن وظیفه انجام گرفت و آن مهم تحقق یافت. اینک امام باقر (ع) بر آن شد تا آن معانی و مساعی را بارور گرداند و برای مسلمانان آشکار سازد که چنان اموری که تحقق یافته است و آن قربانی‌ها و [صفحه ۱۷۱] فداکاری‌های بزرگ، مجرد اعمال دلخواه نبود که عده‌ای برای پیروزی اسلام به آن برخاسته باشند و غیرت و حمیتی که نسبت به اسلام داشته‌اند آنان را برانگیخته باشد. بلکه آن فعالیت‌ها، صورت منحصر فعالیت‌هایی است که با آن مواجه شده‌اند تا بنیان توده‌ای آگاه را پی افکنند که به اسلام، ایمان صحیح و آگاهانه داشته باشند. چنین توده‌ای را، معالم و منطوق و شرایط مخصوصی است و باید دارای دیدی متمایز باشند که آن را در شئون گوناگون حیات اسلامی بکار برند. این جا امکان یافت که کوشش‌های امام محمد باقر (ع) به فزونی روی گذارد تا آن چه نیاکان گذشته او (ع) آغاز کردند، بنیان گذارد و از دستاوردهایی که در این میدان به آن صورت تحقق بخشیدند، فایده برد. پس، خط تاریخی که با فداکاری‌ها و کوشش‌های امامان مرحله‌ی نخستین تجسم یافته بود، برای امام باقر (ع) و نزد امت اسلام مکان و منزلتی والا ایجاد کرد و ما این منزلت و مقام را از خلال مسلمات بسیار تاریخ می‌شناسیم. هشام خلیفه وقتی به امام (ع) اشارت می‌کند و می‌پرسد که این شخص کیست؟ به او می‌گویند او کسی است که مردم کوفه شیفته و مفتون اویند. این شخص امام عراق است. در روایت حبابه‌الوالیه آمده است که گفت: «در مکه مردی را دیدم که بین «باب» و «حجر» بر بلندی ایستاده بود... مردم پیرامون وی انبوه شده بودند و در مشکلات خود از او نظر می‌خواستند و باب پرسش‌های دشوار را بر او می‌گشودند و او را رها نکردند تا در هزار مسأله را به آنان فتوی داد. آن گاه برخاست و می‌خواست رهسپار شود که یکی با آوایی آهسته بانک برآورد که هان، این نور درخشان... و جمعی نیز که می‌گفتند این کیست؟ جواب شنیدند که او محمد بن علی باقر، امام محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است. [صفحه ۱۷۲] از ابرش روایت است که وقتی هشام به امام باقر (ع) اشاره کرد و گفت: این کیست که مردم عراق پیرامون او گرد آمده‌اند و از او پرسش می‌کنند؟ گفت: این پیمبر کوفه و فرزند رسول الله و باقرالعلوم است و مفسر قرآن. پس مسأله‌ای را که نمی‌دانست از او پرسید. در موسم حج، از عراق و خراسان و دیگر شهرها هزاران مسلمان از او فتوی می‌خواستند و از هر باب از معارف اسلام از او می‌پرسیدند و این امر دلیل آن بود که او در دل توده‌های مردم جای داشت. این واقعه اندازه‌ی نفوذ وسیع او را در قلوب توده‌های مردم نشان می‌داد. از سوی فقیهان بزرگ که وابسته به حوزه‌های فکری و علمی بودند، مسائل دشوار در محضر او مطرح و گفتگوهای بسیار با امام (ع) به عمل آمد. از او پاسخ

می‌خواستند تا وی را در تنگنا قرار دهند و در مقابل مردم به خاموشی وادارند. کسانی بودند که از شهری به شهری سفر می‌کردند تا از او (ع) پرسش کنند و در محضرش سؤالی طرح نمایند. همه‌ی این امور به این معنی اشارت می‌کند که در برنامه امام (ع) دقت بسیار به کار رفته بود و مردم او را دوست می‌داشتند و او به مردم علاقمند بود و در امت نفوذی گسترده داشت و این امر در بسیاری از شهرها واکنش پدید آورده بود. از پاره‌ای از نصوص چنین استنباط می‌شود که رهبری مردمی او فراتر از جهان اسلام و تقسیمات گروهی و قبیله‌ای بود. نه این که رهبری گروهی را بر عهده داشت و رهبری برخی را نداشت. بلکه اگر گروه‌های جدیدی به اسلام می‌گرویدند، آنان نیز به رهبری او معترف بودند و روحا با وی پیوند داشتند. با وجود این که کشت و کشتار نژادی و قبیله‌ای در مدت خلافت امویان بین قبیله‌ی «مضر» و «حمیر» شعله‌ور بود، با این همه می‌بینم، اهل هر دو قبیله، یاران امام (ع) بودند. چندان که شاعران رسمی شیعه از هر دو سوی مانند فرزددق تمیمی مغیری و کمیت اسدی حمیری در دوستی امام (ع) و اهل بیت اتفاق داشتند. [صفحه ۱۷۳] این اندازه عاطفه توده‌ای و نفوذ وسیع، امام باقر (ع) را وارث کوشش‌ها و فداکاری‌هایی کرده بود که در اعمال پیشوایان مرحله‌ی نخستین تجسم یافته بود. آن کوشش‌ها و فداکاری‌ها، به پیشوایان آن مرحله فرصت داد تا به بیان و ارائه‌ی چهارچوب تفصیلی و واضح تشیع پردازند.

امام نقطه‌گذاری را در حروف ابداع فرمود

گفتیم که وظیفه‌ی مهم امام (ع) در این مرحله، رویارویی با توضیح تفصیلی چهارچوب تشیع بود و نشان دادن صفات ممیز و برجسته‌ی آن به وسیله‌ی توسعه و نشر مفاهیم مکتب از سطح محدود و اشخاص معدود به سطحی وسیع‌تر، تا توده مردم را از حیث چون و چند پرورش دهند و اسلام حقیقی را مجسم سازند و برای همه‌ی شئون زندگانی چاره‌جویی منطقی اسلامی بیندیشند. از دو راه امکان داشت که امام باقر (ع) در این زمینه برای تحقق بخشیدن به وظایف تاریخی خود اقدام فرماید: اول: راه گسترده‌ی آموزش از درون حوزه‌ی خود که آن را به همین منظور تأسیس کرده بود. همچنین برای افزودن علما و طلاب علوم اسلامی و آموختن آداب آن، حوزه‌ی مزبور را بنا کرده بود. امام باقر (ع) در عصر خود، در مورد علوم اسلامی، مرجع یگانه جهان اسلام بود و علمای عصر او در برابر وجود مقدسش (ع)، فروتنی می‌نمودند [۱] و این معنی اعترافی بود به مقام شامخ علمی او. حوزه‌ی او برای صدها دانشمند و محدث که تربیت کرده بود پایگاهی بود. جابر جعفی گوید: «ابوجعفر هفتاد هزار حدیث برای من روایت کرد». و محمد [صفحه ۱۷۴] بن مسلم گوید: «هر مسئله که در نظرم دشوار می‌نمود از ابوجعفر (ع) می‌پرسیدم تا جائی که سی هزار حدیث از او سؤال کردم.» [۲]. ابن شهر آشوب از بقایای اصحاب و تابعین برجسته و بزرگان و فقیهان اسلام بود. او از کسانی که از امام روایت کرده‌اند، عده‌ای بسیار را می‌شمارد. از صحابه، جابر بن عبدالله انصاری و از تابعین، جابر بن زید جعفی و کیسان سختیانی و از فقیهان، ابن مبارک و زهری و اوزاعی و ابوحنیفه و مالک و شافعی و زیاد بن منذر و از مصنفان، طبری و بلاذری و سلامی و خطیب بغدادی در تاریخ نویسی. دوم: از راه رویارویی امت با این چهارچوب. تقریباً در زندگی پیشوایان (ع) نخستین بار بود که مفهوم تشیع به اعتبار این که عقیده‌ی گروهی آگاه است، تمرکز می‌یافت و شکل روشن می‌گرفت و حدود آن عقیده مرزبندی می‌شد. تشیعی که در تفسیر اسلام، طریقی خاص داشت و ناچار باید در همه راه‌های جامعه اسلامی انتشار یابد. امام (ع) شیعیان خود را با چنین سخنانی توصیف می‌فرماید: «همانا که شیعه‌ی ما، شیعه‌ی علی، با دست و دل گشاده و از سر گشاده دستی و بی‌ریائی از ما طرفداری می‌کنند و برای زنده نگاهداشتن دین، متحد و پشتیبان ما هستند. اگر خشمگین گردند، ستم نمی‌کنند و اگر خرسند باشند از اندازه نمی‌گذرند. برای آن کس که همسایه‌ی آنان باشد برکت دارند و با هر کس که با آنان مخالف باشد طریق مسالمت پیش می‌گیرند.» در جای دیگر می‌فرماید: «شیعه‌ی ما اطاعت خدا می‌کنند». اما در بعضی اوقات، مخالفان امام (ع) که رویاروی ایشان می‌ایستادند، حالت مبارزه‌جویی به خود می‌گرفتند و برای ذهنیات و افکار بیشتر مردم در این [صفحه ۱۷۵]

چهارچوب که امام به خاطر آن فعالیت می‌کرد و مردم بدان معتقد بودند، ارزشی قائل نمی‌شدند. از این رو بود که امام (ع) با کمال روشنی در سطح امت شعارهای خود را مطرح می‌فرماید: در روایتی آمده است که حضرت باقر (ع) همراه با حضرت صادق که همراه امام آمده بود، حج بیت‌الله به جای آوردند. وقتی به مسجدالحرام رسیدند، هزاران کس در مسجد گرد آمدند. امام صادق (ع) با وجود حضور هشام بن عبدالملک، در محضر پدر بزرگوار خود ایستاد و مفهوم شیعه‌ی اهل بیت را با وضوح تمام برای حاضران به شرح باز گفت. او آشکارا و با بیانی روشن توضیح داد که شیعیان کسانی هستند که دارای این صفات و خصوصیاتند و آنان اصحاب روحانی و اجتماعی در جامعه می‌باشند و وارثان حقیقی اهل بیت‌اند. این آشکارا گوئی و صراحت در سطح توده‌ی مردم و در حضور هشام بن عبدالملک، گزافه گوئی و یا ماجراجوئی نبود که امام حساب آن را نکرده باشد، بلکه موافق برنامه‌ای بود که برای خواسته‌های آن مرحله ضرورت داشت و در حقیقت توضیحی بود که مردم از پیشوایان (ع) می‌خواستند و مسلمانان آن را ادراک می‌کردند و می‌دانستند که اینک مسأله، همان مسأله امام حسین (ع) نیست که با اخلاص برای حفظ اسلام جنگید و به شهادت رسید. بلکه مسأله بالاتر و بزرگتر از این تصور بسیطی است که آن‌ها دارند. مسأله عبارت از هدف و عقیده و رهبری و برنامه‌ریزی الهی بود که در وجود امام حسین (ع) تجلی یافته بود و اینک دوباره متجلی شده است. و بسا که در عصرهای گوناگون و نسل‌های مختلف همچنان برقرار باشد و بروز کند. این مسأله، مسأله‌ای بود که ناگزیر باید ملت را به آن توجه می‌داد و به شکلی واضح و تفصیلی و دربرگیرنده، به او می‌فهماند تا او را عمیقا به حرکت درآورد و واقعیتی را که در آن زندگانی می‌کنند دگرگون سازد. [صفحه ۱۷۶] دلیل این مطلب چیزی از این گویاتر نیست که امام باقر (ع) به خلیفه اموی وارد شد و خلیفه کوشید با استهزاء از امام (ع) پرسش کند و به او گفت: آیا تو فرزند ابوترابی؟ و بعد سعی کرد او را خفیف گرداند. اما امام (ع) به این مسائل اهمیتی نداد بلکه در مجلس خلیفه به پای ایستاد و خطابه‌ای ایراد فرمود تا رهبری اهل بیت را توضیح دهد و مشروعیت آنان را در حکومت، آشکارا بیان کند. اما با دعوت خود و چنین آشکارا سخن گفتن‌ها و از گذرگاه این برنامه‌ی وسیع، و با رویارویی صریح با امت در هدف‌های واضح، روزگاری نوین را مجسم ساخت.

دشواری‌هایی که در راه برنامه‌ی امام روی داد

در آن هنگام، زندگانی عمومی اسلامی به طور کلی نزدیک بود به هدفی دیگر که مغایر عقیده‌ی امام بود منجر گردد. عصری که عصر امام باقر (ع) با آن آغاز گردید، آغازی نو بود که انحراف سیاسی در شکل هدف فکری در آن خودنمایی می‌کرد و آن هدف فکری، امتداد آن انحراف سیاسی بود که در مرحله‌ی نخستین از کارهای پیشوایان (ع) از آن سخن گفتیم. انحراف سیاسی که پیشوایان مرحله نخستین با آن هم زمان بودند، تحول یافت و در خلال این مدت یعنی در مدت هشتاد سال، یک هدف فکری و عقیدتی ایجاد شده بود که با هدف و عقیده‌ی امام اختلاف داشت و از قرار ذیل بود: ۱- این هدف و عقیدت به مرجعیت صحابه که از مهاجران و انصار و تابعین بودند واگذار شده بود و خود این مراجع می‌دانستند که رسول اکرم (ص) به فرمان حق تعالی، امام علی (ع) را به مرجعیت سیاسی و فکری برگزید به این اعتبار که عمق وجود شخص امام علی (ع) در موجودیت دعوت مایه گرفته و به مثابه ستون دعوت اسلامی بود و پس از امام علی (ع) نیز جانشینان او شایسته‌ی این مقام بودند. خود مردم به خوبی می‌دانستند که پس از رحلت نبی اکرم [صفحه ۱۷۷] (ص)، وقتی در سقیفه اجتماع کردند، این مرجعیت از امام علی سلب شد. ۲- اما مرجعیت فکری به عنوان مرجعیت رسمی بی‌مددگار معطل مانده بود و در این مورد برنامه‌ای روشن موجود نبود تا این خلاء را پر سازد و این امر در عهد ابوبکر و عمر و عثمان روی داد که خلفای سه گانه ضرورت مراجعه کردن به امام علی (ع) و ارزش اعانت او را برای حل مشکلاتی که کار آنان را دشوار می‌نمود، احساس کردند. گرچه می‌کوشیدند از مراجعه به آن امام (ع) خودداری کنند [۳]. پس از پایان عصر صحابه، عصر تابعین آغاز گردید و رفته رفته نزدیک بود تا عصر جدید یعنی تابعین تابعین نیز آغاز شود. در

آن عصر، دولت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی با مسائلی روبرو شد که به صورتی جدید، گرفتار این خلاء فکری و سیاسی بود. علت این احساس عوامل زیر بود: الف- تابعین تابعین که از انبای عصر بودند از مصادر اسلام محسوب می‌شدند و از کتاب و سنت دور افتاده بودند و به واسطه‌ی بعد زمان از عهد نبی اکرم (ص)، جدا شده بودند. آن نسل از زمان و شرایط و مناسبات کتاب و سنت نبوی دور افتاده بود و از این روی روزی برآمد که در قرآن، معضلاتی مشاهده کردند که معلول دوری از زمان رسول اکرم (ص) بود. ب- آنان اعتقاد داشتند که پیامبر خدا (ص) هیچ کس را به منظور اداره‌ی مکتب رسالت تربیت نفرموده و هیچ کس را آماده‌ی مرجعیت فکری و سیاسی نکرده است و آموزش خاص عقیدتی درباره کسی منظور نداشته است بلکه، همه آن چه رسول اکرم (ص) انجام داد - به نظر آنان - تنها این بود که رهبری دعوت را به امت وا گذاشت و مهاجر و انصار را ضمیمه‌ی یکدیگر فرمود تا پس [صفحه ۱۷۸] از او دعوت را رهبری کنند. ج- زان پس که حیات اسلامی گسترش یافت و از راه پیروزی نظامی به دسته‌ها و سرزمین‌ها و دولت‌ها پیوست، رویدادهای گوناگون و شرایط و گروه‌ها به وجود آمد و افکار درهم ریخته و پیچیدگی‌هایی که هرگز پیش‌بینی نمی‌شد پیش آمد و برای نصوص تشریحی مفقود شده که از رسول اکرم نقل می‌کردند، راه حلی وجود نداشت، پس ناچار این نیاز پدید آمد که به غیر از کتاب و سنت، به دلایل و وسایل دیگر از قبیل استحسان و قیاس و غیر آن از انواع [ادله‌ی] اجتهاد که ملکه‌ی مجتهد است رجوع کنند. این امر باعث گردید که ذوق و اخلاقیات شخصی وارد قانون گذاری شود. [۴]. این سه وسیله مسلمانان را واداشت که با ضرورت جستجو درباره‌ی یک منشاء فکری که با آن شرایط و اوضاع و احوال جدید هماهنگ باشد، پی ببرند، زیرا در بسیاری از مسائل نصی وجود نداشت و ناچار باید راه حلی برای آن می‌جستند. شهرستانی در این مورد گوید: «ما به طور قطع می‌دانیم که حوادث و وقایع در عبادات و رفتار و کردار چندان است که به شمار در نمی‌آید و حد و حصری ندارد و به طور قطع می‌دانیم که در همه‌ی رویدادها نصی موجود نیست وقتی نصوص محدود باشد، امر نامحدود را ضبط نمی‌کند، پس اجتهاد و قیاس لازم‌الاتباع و معتبر است چندان که برای هر رویدادی اجتهادی است» [۵]. در چنین موقعیت‌هایی امکان نداشت که بتوانند این مرجعیت فکری را قبول داشته باشند و به این اعتبار که مرجعیت فکری به رهبری سیاسی منتهی می‌شود آن را به اهل بیت مستند بدانند و اگر مرجعیت فکری را به اهل بیت می‌دادند، برنده‌ترین سلاح را به آنان تقدیم می‌کردند که به آنان امکان می‌داد که به آسانی به مرجعیت سیاسی دست یابند. [صفحه ۱۷۹] از این رو در این عصر آغاز فعالیت‌هایی را می‌بینیم و توسعه و گسترش مدارس را ملاحظه می‌کنیم که گاهی به «رأی» تکیه می‌کنند و گاهی به قیاس و استحسان و گاه به مصالح مرسله و عرف جریان‌های پیش آمد که ظهور آن‌ها با خط مرجعیت اهل بیت (ع) اختلاف داشت و آشکارا نشان می‌داد که این پدیده در جامعه‌ی اسلامی بسی اوج گرفته و ریشه دوانیده است. اهل بیت (ع) برعهده گرفتند که آن ادعاها را پاسخ گویند و تکذیب کنند. و به علت پاسخگویی به این خطوط فکری، خصوصیات مذهبشان را که دارای مرکزیت و قدرت است تأکید کنند. ابن جمیع می‌گوید: به جعفر بن محمد وارد شدم، ابن ابی لیلی و ابوحنیفه نیز با من بودند. او به ابن ابی لیلی گفت: این مرد کیست؟ جواب داد: او مردی است که در دین بینا و بانفوذ است. امام (ع) فرمود: شاید به رأی خود قیاس می‌کند؟ سپس رو به ابوحنیفه کرد و فرمود: ای نعمان، پدرم از جدم روایت کرد که رسول خدا (ص) فرمود: نخستین کس که امر دین را به رأی خود قیاس کرد، ابلیس بود که خدای تعالی به او فرمان داد: به آدم سجده بر! و او گفت: من از او بهترم. مرا از آتش آفریدی و او را از خاک. پس هر کس که دین را با رأی خود قیاس کند حق تعالی روز قیامت، او را با ابلیس قرین سازد. زیرا، او شیطان را به قیاس پیروی کرده است». سپس امام جعفر (ع) آن گونه که در روایت ابن شبرمه آمده است به او گفت: آیا قتل نفس گناهی بزرگتر است یا زنا؟ گفت: قتل نفس. امام (ع) فرمود: خدای تعالی در قتل نفس دو گواه می‌پذیرد اما در زنا چهار شاهد باید. سپس پرسید: نماز بزرگ‌تر است یا روزه؟ گفت: نماز. امام (ع) فرمود: چه گوئی در مورد حیض که روزه را قضا می‌کند و نماز [صفحه ۱۸۰] را قضا نمی‌کند. وای بر تو، چگونه قیاس می‌کنی؟ از خدای بترس و دین را با رأی خود قیاس مکن [۶]. این نبردی که اهل بیت (ع) وارد آن شدند، از شدت تأثیر اهل

رای کاست. چنان که برای پیدا شدن مکاتبی که در راه و خط مخالف آن بود، ایجاد آمادگی کرد و مدرسه‌ی حدیث به وجود آمد که برای حفظ احادیث و سنت و آثار و فتاوی صحابه و تابعین کوشید و برای تقویت آن به تبلیغ آغازید و در عین حال از اهل رای بد می‌گفتند و در مقابل دستاورد اهل رای که در اخذ به رای و روی گردانیدن از احادیث تندروی داشتند، عکس‌العملی محسوب می‌گردید. اهل بیت (ع) بر ضد اهل رای ایستادگی کردند و در این کار به شعار معروفشان تمسک می‌جستند که می‌گفت: «همانا که دین خدا با عقول سنجیده نمی‌شود». چه، این مکتب اهل رای به راهی می‌رفت که تشریح اسلامی را تحلیل می‌برد و نابود می‌کرد و در مرحله‌ی بعد، خاصیت و صلابت و اصالت اسلامی تشریح را که از ویژگی‌های قانونگذاری است از دست می‌داد و در اثنائی که اهل حدیث با جمود شریعت روبرو می‌گردید و معنای ظاهر نصوص اتخاذ می‌شد، خاصیت نرمش و قابلیت تطبیق با شرایط گوناگون اجتماعی از کف می‌رفت [۷].

پاورقی

- [۱] منظور این است که مکتب تشیع را همگانی کرده و از جهت علمی و عملی توسعه بخشید چنان که فراگیری آن بر هر فردی سهل و پیروی از آن بر هر کس که دارای فرهنگ اسلامی و عقل مذهبی باشد، پذیرفتنی بود.
- [۲] مرآة الجنان.
- [۳] بحث در ولایت - صدر.
- [۴] بحث در ولایت.
- [۵] سلم الوصول ص ۲۹۵.
- [۶] اصول عمومی فقه، ص ۳۲۹ نقل از حلیة الأولیاء، ج ۳ ص ۱۹۷.
- [۷] اجتهاد و تقلید از مقدمه محمد مهدی اصفی ص ۱۸ - ۱۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

